

# هر انسانی با تمام حقوق و آزادی‌ها متولد میشود

ایران،

روز پنجشنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۳ متن پیوست در ۳۰ بند به آگاهی همگان رسید. ایرانی که اعتلای ملت ایران را قبل از امور خود میبیند چند نکته یاد آور شدند که در متن گنجانده شد و خود اینجانب نیز پس از مطالعه قانون اساسی چند کشور دیگر به مواردی برخورد نمودم که نیاز بود به متن اضافه شود.

قانون اساسی یا داتای ملی هر کشوری دارای چندین بخش است:

۱- چار چوب قوانین بشری که مبنای آن حقوق متساوی بین آحاد ملت است که اصل و پایه آن از منشور کوروش بزرگ شروع و نسخه تکمیلی آن در فرانسه بنام بیانیه جهانی حقوق بشر شناخته شد و سپس، بدنبال تشکیل سازمان ملل به عنوان قانون حقوق بشر شناخته شد استوار میباشد.

۲- حقوق قضائی یا دادگستری، جرم و جنحه که موارد رسیدگی به آن بطور یکسان در جهان مورد توجه قرار میگیرد. در مدت بیش از ۲۵۰ سال که از زمان تنظیم قوانین جنحه و جنائی در جهان میگذرد مواردی پیش آمده که هر مورد بنوعی موثر در قوانین کشورها تاثیر گذاشته است و لذا بهره برداری از این قوانین تا حدی متساوی مورد استفاده همه کشورها قرار میگیرد. بطور مثال در کشور انگلستان در ابتدا قوانین نوشته شده ای وجود نداشت و بمرور در هر مورد خاص پس از رسیدگی در دادگاهها بصورت نوشته برای موارد مشابه بعدی مورد استفاده قرار میگیرند؛ که این به نوعی پویندگی قانون را تضمین مینماید.

۳- حقوق و قوانین تخصصی و فنی که اغلب این مقررات بصورت یکسان در بیشتر کشورها استفاده میشوند و تقریباً بصورت استاندارد های بین المللی در آمده اند، در امور الکتریسته، گاز، آب و فاضلاب و غیره مورد بهره برداری قرار میگیرند. این موارد جزء قانون اساسی نیستند ولی نحوه تنظیم آنها را قانون اساسی نظارت مینماید.

۴- قوانین و حقوق تخصصی اقتصادی که لزوماً متأثر از اقتصاد بین المللی است ولی بدلیل نوع سرزمین و استعداد کشت و باروی و میزان آب موجود و حاصلخیزی خاک و منابع و تولیدات کشاورزی و صنعتی میبایست با شرایط اقلیمی و ملی میهنی مطابقت داشته باشد.

۵- در مورد دستگاه دادگستری ایرانیار جرمندی اشاره داشت که بطور کلی در ایران مردم دستگاه دادگستری را با سیستم "جزائی" اشتباه میکنند. در سیستم قضائی کشوری مانند جمهوری اسلامی مردم در دست سیستم قضا اسیرند بجای اینکه دستگاه «قضائی» به داد مردم برسد و آنان را از اختیارات حقوقی که دارند آگاه کرده و بدادشان برسد آنرا «جز» می کند. منظور ایشان این بود که بجای اینکه دستگاه دادگستری آنان را بی گناه بداند تا گناهشان ثابت شود و اگر تبرئه شدند آزاد باشند به گناهی که نکرده اند و بجرم واهی بازداشت و یا متهم شده اند متهم شده و آنان را بدار می کشند. سیستم دادگستری نبایست خود به عنوان یک دستگاه بگیر و ببند و ابزار دخالت در اموری غیر امور داد تبدیل شود. حق را بجانب ایشان دادم. در ایران بهتر بگویم در جمهوری اسلامی، امروز و در زیر سایه اسلام همه گناه کارند تا بی گناهی آنان

ثابت شود در حالیکه در قانون بشری بیگناهی «اصل» است. مفهوم دیگر این بحث این است که قانون بطریقی بایست نوشته شود که سد در سد حامی بی گناهان باشد و به هر شخص حق دفاع و تبرئه را بدهد. وقتی مانند سیستم قضائی جمهوری اسلامی قضات و یا حاکم در امور دیگری مانند ارتش، تعلیم و تربیت، انرژی اتمی و نفت دخالت کند لذا دیگر ارگان های کشوری نیز حق دخالت در امور دادگستری را پیدا خواهند کرد. دادگستری محل ستودن و گرفت حق است. حقی که مردم با آن متولد شده اند و در اثر بی مبالاتی و حرکت ناشایست دیگران و یا خودش آنرا موقتا از دست داده.

همانطور که در نوشتار پیشین خواندید؛

متن پیوست برای راهنمایی و تبادل نظر بین دست اندرکاران تهیه قانون اساسی تهیه شده ولی چون قبل از هر گونه تصمیم گیری نظر ملت ایران برای ساختار آینده کشور مهم میباشد لذا برای مطالعه، نظر گیری و پذیرش پیشنهادات شما خواننده گرامی برای آگاهی همگان ارسال میگردد.

نظرات و پیشنهادات خود را با اشاره به قوانینی که موجود هستند و یا پیشنهاد داتای ملی (نظام نامه های ملی) که تهیه شده برای اینجانب بفرستید. سپس از یاری شما درین مسیر که نهایتا نهال آینده آزادی و آبادانی میهن ما را آبیاری خواهد نمود.

مرور دیگری میکنیم به آنچه پیشتر خواندیم و آنچه تازه است. البته در نظر خواهند داشت که اگر شرح بیشتری داده شده به منظور درک بیشتر مطالب برای آنانی که تخصص کمتری دارند و مسلما متخصصین هنگام تنظیم و اعمال تغییر ها در قانون اساسی کوتاهی و کامل بودن هر مورد را هم مورد توجه قرار خواهند داد:

- ۱- قانون اساسی باید بر اساس یک عده اصول پذیرفته شده بنا شده باشد که مفهوم کلی و جزئی آنها نتیجه منطقی آن اصول بوده باشد.
- ۲- داتای بنیادین هر کشور بایستی بر اساس اصول حقوق بشر استوار باشد. (به توضیح شماره یک در پیشگفتار توجه فرمائید)
- ۳- داتای بنیادین هر کشوری لزوما نبایستی تقلید نظام نامه کشور های دیگر باشد. بلکه بایستی با اوضاع سیاسی، جغرافیائی، اقتصادی، ترکیب جوامع و گروه ها و تبار های سنتی و ملی و اخلاقیات جامعه مطابقت کامل داشته باشد.
- ۴- نظام نامه ملی هر کشوری بایستی با میزان تمدن و گذشته تاریخی آن ملت همگونی داشته باشد.
- ۵- قانون اساسی شامل کلیات اساسی میشود و لزوما نبایستی به نحوه انتخاب شدن و یا استخدام وزارتخانه ها و وزراء که در حیطه قوانین عادی هستند وارد شده باشد.
- ۶- قانون اساسی ممکن است از متن های متعددی تشکیل شده باشد؛ مثل قانون اساسی فرانسه که عبارت از سه قانون راجع به تشکیل مجلس سنا، سازمان قوای عالیه کشور، و روابط قوای عالیه کشور میباشد. در ایران هم قانون اساسی که به قانون ۱۹۰۶ معروف است (قبل از هجوم ملایان) شامل دو قانون مجزا بوده است که یکی قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ و قانون اساسی ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ که بعد ها از ترکیب این دو قانون با تغییراتی در ۱۳۰۴ و ۱۲۳۸ خورشیدی تشکیلات سیاسی ایران را بوجود آورد.

ایرادی که به قانون ۱۹۰۶ گرفته میشود همانا ماده اول آن است که اجازه نفوذ مذهبیون و بیضه داران دین را در هر موردی به قانون و قانونگذار میدهد و آنرا به نوعی اداره "ولایت فقیه" مشابه میسازد. این ماده و مواد دیگری که در قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن است و به اسلام یا دین اشاره دارد در ۷۰ سال دوران قانونگذاری ایران هرگز مورد استفاده نبوده و مصرف نشده است. این مصرف نشدن ارتباطی به دولت های دوره های قانونگذاری ندارد، بلکه ملایان (آیت الله) ها هرگز به توافق کلی نمیرسیدند و نمیتوانستند و در برابر قوه و قدرت قانون قادر به اعمال نظر نبودند. بنابراین با وجود حضور آن ماده ها قانون اساسی مشروطه و متمم آن همواره ۱۰۰٪ سکولار عمل کرده است. اصلاح این ماده ها پس از استقرار دولت و آگاهی مردم قابل انجام و بسیار ساده است.

- ۷- قانون اساسی بایستی طوری نوشته شده باشد که سهم آیندگان را برای (۱۰۰) سد ها سال آینده در نظر گرفته باشد.
- ۸- طوری بایستی تنظیم شده باشد که برای همه قابل فهم باشد و نیاز چندانی به تغییر در آینده نداشته باشد. ولی راه را برای پویایی و تحول آینده باز گذاشته باشد. البته همه قانون های دنیا جمله های سنگین و حقوقی دارد.
- ۹- مفاد قانون طوری انتخاب شوند که قابل اجرا باشند و همه آنها در هر زمان اجرا گردند و مفادی که جزئیات را نا مفهوم گذاشته و آنرا منوط به نوشتن قانون دیگری و یا فتوا و از این قبیل میکند غیر قابل قبول است.
- ۱۰- مقررات قانون اساسی بایستی روشن و واضح باشد تا نیازی به تفسیر و تعبیر آنها نبوده باشد. قانونی که نیاز به تفسیر داشته باشد موجبات اختلاف بین مقامات عالیه و رکن های اصلی یک مردم سالاری و احزاب را فراهم میکند و موجب هرج و مرج و بی فایده بودن قانون را تشویق میکند.
- ۱۱- فصل بندی ها و مطالب بایستی معقول و منظم باشند، شامل فهرست مطالب بوده و تمام موارد مشابه در زیر یک سر فصل جمع آوری شده باشند و از پراکندگی پرهیز شده باشد.
- ۱۲- در قانون اساسی و نظام نامه ملی هر کشوری سهم تمام لایه های اجتماعی کشور از هر نوع بایستی یکسان و بدون تبعیض رعایت شده باشد.
- ۱۳- نظام نامه ملی هر کشوری میبایست اکیدا جدائی مذهب از حکومت و هر نوع دخالت مذهبیون از هرگونه را بصورت روشن و واضح قید نموده باشد.
- ۱۴- داتای ملی نبایستی اشاره ای به مذهب رسمی در کشور داشته باشد. در داتای ملی بایستی اشاره شده باشد که دولت ها نمی توانند در هر زمان قانونی مبنی بر انتخاب اصلح مذهبی وضع کنند و از همین رو نمیتوانند آزادی انتخاب مذهب و یا هر دینی را ممنوع نمایند. زیرا هر نوع اشاره و تبعیض بین مذاهب موجبات نا برابری و توهین را بوجود میآورد. دادن هرگونه امتیاز به هر نوع مذهبی در داتای ملی بایستی ممنوع شده باشد. بهتر است ادیان و مذاهب در حیطه مذهبی خود خارج از سیاست احترام خود را محفوظ و بی خدشه به کار خود بپردازند.
- ۱۵- قانون اساسی هر کشوری بایستی بدون در نظر گرفتن نوع مذهب، یا نوع افکار سیاسی، قدرت اقتصادی افراد و یا خانوار ها، رعایت برابری و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را بطور یکسان برای همه منظور داشته باشد.

- ۱۶- در قانون اساسی میبایست ذکر شود که آزادی ها از جمله آزادی سخن گفتن که اساس و پایه تمام آزادی های دیگر میباشد با انسان ها زاده شده و کسی نمیتواند چه به حکم قانون چه بدون قانون به این حریم تجاوز نماید.
- ۱۷- نظام نامه ملی هر کشور بایستی به روشنی عنوان نماید که حق زیستن و انتخاب با انسان است و کسی این حقوق را نمیتواند از او سلب نماید و قانونی که ملغی کننده این حقوق باشد خارج از قانون اساسی ملت است و مورد پذیرش نمیباشد.
- ۱۸- داتای بنیادین ملی بایستی صریحا عنوان نماید که آدمی پدیده ای است اجتماعی و جامعه از مجموعه افرادی تشکیل میشود که بطور مداوم مستقل، مجرد و تنها مسئول اعمال خویش هستند ولی در حال کنش و واکنش با اجتماع مجبور به بهزیستی اجتماعی و همکاری های بین افراد میباشند. پدیده استقلال و مجرد بودن افراد به آنان اجازه نمیدهد تا نظام شخصی خود را استوار سازند و بایستی خود را با نظام و روش پذیرفته شده جامعه تطبیق داده و ملزم به اجرای قوانین میباشند. هر کس در آن کشور زندگی می کند بایستی خود را با مقررات و قوانین جاری کشور تطبیق دهد نه برعکس.
- ۱۹- در نظام نامه ملی کشور بایستی قید شده باشد که تعلیم و آموزش افراد در راس تمام امور کشور قرار میگیرد و در هر کجا که فکری هست بایستی کتابی و آموزشی هم باشد. نخستین آموزش از یاد گیری قانون اساسی شروع میشود و آشنا سازی مردم به حقوقشان در راس آموزش ها قرار خواهد گرفت. از کودکان تا زمان مرگ.
- ۲۰- در داتای ملی کشور بایستی قید شده باشد که برای اختراع ها، اکتشاف ها، و پیشنهاد های علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی آزادی کامل وجود دارد و در بعضی موارد دولت بودجه تشویقی برای این امور در نظر گرفته و بصورت عادلانه در اختیار تمام طبقات قرار گیرد.
- ۲۱- داتای ملی کشور اجازه نمیدهد تا قوانین و مقررات اجتماعی زیرین و پائین تر از قانون اساسی برخلاف مندرجات نظام ملی تنظیم شود و هر قانون زیرین نمیتواند متباین و مخالف استواری و تداوم پایه های حقوق مردم باشند.
- ۲۲- نظام ملی صریحا قید میکند که تمام افرادی که در خدمت ملت هستند از بالا ترین مقام تا پائین ترین عضو خدمتگزار میباشد و حقوق آنها از جانب «ملت» برگزیده و استخدام شده و از جانب «ملت» پرداخت میشود، و ملت مجاز است طبق قانون نسبت به برکناری و لغو ماموریت آنها تصمیم بگیرد.
- ۲۳- داتای ملی هر کشوری اشاره مستقیم دارد به آزادی که شامل عدم تعرض، تصرف، محدودیت در خواندن، نوشتن، نفوذ در اندیشه و نمی تواند جلوگیری از داشتن و تکاپو و حرفه، مال و نحوه زندگی بشود.
- ۲۴- اندیشه و بیان آزاد است و هیچ قانونی چه در قالب نظام ملی و یا در سطح قوانین عادی به هیچوجه مجاز نیست تا آنرا محدود، ممنوع و یا مقطوع کند.
- ۲۵- داتای بنیادین ملی به افراد حق دفاع از خود و خانه و خانواده را میدهد و به آنان اجازه میدهد تا قبل از رسیدن کمک های مراجع قانونی از حق غیر قابل تعرض و انقطاع شهروندی خود و خانواده اش دفاع نماید؛ بشرطی که این عمل موجبات شورش و آشفتگی اجتماعی را فراهم ننماید. این حق شامل نگهداری اسلحه نمیباشد.
- ۲۶- داتای ملی هر کشوری اشاره دارد به اینکه تبانی و همکاری با ایادی غیر ایرانی و یا افرادی که در خدمت بیگانگان هستند جرم بزرگ و غیر قابل اغماض و گذشت است و تبهکار

در هر مقام، پایه، شخصیت و یا شغلی که باشد به محاکه کشیده خواهد شد و شدید ترین شیوه برخورد قانونی در باره او به اجرا در خواهد آمد.

۲۷- داتای بنیادین ملی هرکشوری به نوع پرچم اشاره دارد که در مورد ایران پرچم سه رنگ با شیر و خورشید و بدون شمشیر و یا جایگزین شده با مشعل که نمادی از صلح، دوستی، دانش، انرژی، هم پیمانی میباشد خواهد بود (پیشنهاد [www.peymanmeli.org/flaghistory.asp](http://www.peymanmeli.org/flaghistory.asp)) به این تارنما توجه فرمائید در آنجا

نمونه شیر و خورشید پیشنهادی با مشعل و بدون مشعل و بدون شمشیر را ببینید.  
۲۸- نظام ملی کشور به سرود ملی اشاره خواهد داشت. سرودی که احساسات میهن پرستانه را بدون چاشنی های شخص پرستی و فقط بر گرفته از صراحت های فرهنگی، و برانگیختن حس میهن پرستی و عامل هم پیمانی را در افراد جامعه تشویق میکند توصیه میکند. (بهترین سروده اثر استاد گل گلاب است که به نام "سرود ای ایران" شناخته شده)

۲۹- در داتای بنیادین ملی کشور به زبان رسمی کشور اشاره میشود که در مورد ایران زبان پارسی دری \_همین زبان پارسی امروزی) است؛ تدریس و تعلیم زبان های محلی آزاد بوده و تشویق موثری به یاد گیری حد اقل یک زبان بین المللی لازم و پر اهمیت خواهد بود.

۳۰- داتای ملی بایستی قبل از تصویب و اجرا در اختیار عموم افراد ملت گذاشته شود و در کلیه مفاد و مندرجات آن با تشریح مساعی متخصصین شور و مشورت شود و پیشنهادات مردم عادی مورد توجه قرار گرفته و اصول آن مطابق نظر اکثریت تنظیم گردد.

۳۱- قانون اساسی ملی هر کشوری بایستی اشاره دقیق و مستقیم داشته باشد به مالکیت حق مردم است که افرادفامیل، کاغذها، اسناد و لوازم خویش را در مقابل تفتیش و تصاحب غیر معقول و بدون مجوز حراست نمایند. هیچکس حتی ماموران دولتی سربازان و نیرو های انتظامی در هیچ زمانی، در هر موقعیت نمیتوانند به اموال شخصی افراد در هر مقام و با هر دین و مذهبی، در هر وضعیتی تجاوز کنند و یا اموال شخصی آنان را که تا حد زندگی معمولی مورد نیاز است را از شهروندان سلب نمایند. مگر براساس رای دادگاه و آنهم در صورتیکه اموال از راه دزدی اموال عمومی تامین شده باشد باز هم حد اقل لوازم اولیه زندگی شخصی را نمیتوان از فردی سلب نمود. چنانچه قانون و دادگاه مقرر نماید که به اموال عمومی دستبرد زده در اینصورت باز هم نمیتوان اموال شخصی او را به مصرف عمومی رساند مگر بهای آن به او پرداخت شده باشد.

۳۲- داتای بنیادین ملی نمیتواند تشکیل احزاب و آزادی انتشار طومار و یا نوشتار روی کاغذ یا روی تارنمایا هرجای دیگر را ممنوع نماید.

۳۳- یک ارتش ملی، منظم و تعلیم دیده و مجهز برای امنیت مرز های کشور و بین ایالت ها ضروری است و مردم حق حمل اسلحه را ندارند مگر در زمان جنگ و یا حکم قانون. پاسداری مرز ها، داتای بنیادین و نظم کشور با نیروهای مسلح کشور از هر نوع است. سازمان های اطلاعات و ضد اطلاعات در حفظ و حراست کشور از نفوذ بیگانه یا عوامل و عمال آنان امری ضروری خواهد بود. وظیفه اصلی ارتش پاسداری از قانون اساسی و مرز های کشور است.

۳۴- هیچ نظامی و یا مامور دولتی نمیتواند به حریم خانه اشخاص داخل شود، مگر اینکه صاحب خانه اجازه ورود به او داده باشد. صاحبان خانه ها مجاز هستند از ورود افراد به حریم خانه جلوگیری نمایند، مگر در زمان جنگ و یا رای دادگاه.

۳۵- هیچ کس را بر خلاف میل باطنی اش نمیتوان در بازداشت نگاه داشت مگر به جرم جنایت و آدمکشی و آنهم بر اساس رای دادگاهی که در آن هیئت ژوری (منصفه) حضور داشته باشد؛ غیر از موارد نظامی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ و یا خطر عمومی؛ و همچنین کسی را برای یک جرم نمیتوان به دو مکافات که زندگی او را مختل مینماید محکوم نمود. همچنین کسی را که مرتکب جرم شده نمیتوان بعنوان شاهد برای خودش و یا بر علیه خودش تعیین و قبول نمود و یا او را از زندگی و اموالش محروم کرد.

۳۶- در هر مورد جرم میبایست در اسرع وقت به داد شخص یا اشخاص رسیدگی شود و در شهر یا ایالتی به جرم او رسیدگی شود که جرم اتفاق افتاده. در هر مورد بایستی مورد دادگاه و جرم به شخص توضیح داده شده باشد و در هر مورد شاهد یا شاهدانی برای اثبات جرم وجود داشته باشند، لذا کسی را نمیتوان بدون شاهد محاکمه نمود و یا از داشتن وکیل و در اختیار گذاشتن آگاهی های حقوقی محروم نمود.

۳۷- در هر مورد نمیتوان درخواست وثیقه بی حساب نمود و یا جریمه ای تعیین نمود که از اختیار مجرم برنمی آید و یا در هر صورت تنبیهی مقرر نمود که از قاعده و قانون خارج باشد.

انتخاب ساختار حکومتی از آن مردم ایران است. لذا برای انتخاب اصلح و بهتر نوع حکومت موظف هستیم مردم را از کودکی به حقوق فردی و اجتماعی آشنا سازیم. سنت و نظام چهار هزار ساله ایران و به دلیل لایه ها و سبک زندگی و فرهنگ ایران روند تاریخ گونه حکومت که مرکزی و در راستای نظامی است که پدران کشور در ۳۰۰۰ سال پیش مشخص کرده اند شناخته شده مردم است. در هر مورد پارلمان یعنی نماینده مستقیم مردم، حافظ و نمایانگر مردمسالاری (دموکراسی) خواهد بود واقعیت این است که حکومت از آن مردم است و اگر مفهوم این جمله را به دقت درک کنیم در هر مورد ساختار حکومت و نوع ارائه تشریفات آن نمی بایست مانعی بر سر راه ما قرار داده باشد. در صورتیکه پارلمان به مفهوم واقعی آن به قدرت مردم استوار و به وظائف خود عمل میکند چگونگی ساختار حکومت با طرز کار و نوع رژیم ربطی ندارد. زیرا وظیفه پارلمان اعمال و پیشبرد نظرات مردم میباشد. مردم همواره بایستی در امور خود دخیل و کوشا باشند. آنگاه که ملت در راس قرار گیرد و همیشه در اجراء دقیق قانون نظارت داشته و مانع هرگونه خلافاکاری باشد در آنصورت نوع تشریفات حکومت نمیتواند تاثیر چندانی در روند روزانه «مردمسالاری» داشته باشد.

توجه خوانندگان گرامی را به مقایسه مردمسالاری های پادشاهی و جمهوری در دنیای امروز جلب مینماید. مذاقه و تجسس در تعداد مردمسالاری های ذکر شده میتواند الگوی درستی از انتخاب آینده بماند بدهد.

ح-ک

تهیه شده در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۳؛ تجدید نظر شده در سپتامبر ۱۶ - ۲۰۱۲  
تجدید نظر شده در جون ۲۰۱۸



KRK/EJD

Join me in this silent voice of unity...Iran deserves better.

When Truth is not free, Freedom is not true, Freedom of Speech,  
Freedom of pen, most important of all Freedom of thought

وقتی حقیقت آزاد نیست، آزادی حقیقت نیست  
و آزادی سخن و قلم و آزادی اندیشه از همه مهم تر